

رابطه هوش فرهنگی با بهزیستی روان در دانشجویان

فهیمة کوه کن

کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد زاهدان

چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین هوش فرهنگی با بهزیستی روان در دانشجویان که سوالات آن از تئوریهای مختلف بهزیستی روانی و نظریه های هوش فرهنگی استخراج و مورد آزمون قرار گرفته اند. روش بررسی، تلفیقی از روش کتابخانه ای و میدانی است. در بررسی میدانی ۳۷۶ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان ۱۳۹۳ از مقیاس بهزیستی روانی رایف (۱۹۸۹) و پرسشنامه هوش فرهنگی ارلی و آنگ (۲۰۰۳) استفاده شده است. در این روش از روش نمونه گیری طبقه ای متناسب با حجم و تصادفی ساده بهره گرفته شده و مورد مطالعه قرار گرفتند. بهزیستی روانی دانشجویان با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون رابطه بین هوش فرهنگی و مولفه های آنها با بهزیستی روان معناداری باشد. همچنین مولفه های شناخت و فراشناخت در هوش فرهنگی و مولفه های وجودی، معنایی، هوشیاری و متعالی قادر به پیشبینی بهزیستی روان دانشجویان می باشند.

واژگان کلیدی: هوش فرهنگی، بهزیستی روان، دانشجویان، دانشگاه، زاهدان.

مقدمه

دوره تحصیلی دانشگاهی بواسطه حضور عوامل متعدد، دوره ای فشارزاست. بیشتر دانشجویان به خاطر تحصیل در دانشگاه از خانواده و شهر یا روستای خود جدا شده، در محیط جدیدی قرار گرفته اند که احیاناً از نظر عاطفی مشکلاتی برایشان بوجود می آید. این مشکلات روانی موقعی تشدید پیدا می کند که آنان نتوانند خود را با محیط جدید دانشگاه تطبیق دهند. عدم سازگاری با محیط آموزشی دانشگاه، محیط سکونت در خوابگاه و قرار گرفتن در شبکه جدید روابط، برخی عکس العملهای عاطفی را به دنبال دارد. با توجه به اینکه دانشجویان در هر جامعه ای آینده سازان و برنامہ ریزان و مدیران آن جامعه خواهند بود بهزیستی روانی آنان می تواند نقش مؤثری در فرآیند توسعه داشته باشد. در صورتی که آنان از بهداشت روانی برخوردار نبوده و به خاطر مشکلاتی که ذکر آن رفت دچار اختلالات روحی و عاطفی از جمله افسردگی شوند، نه تنها خود در این جریان ضربه می بینند، بلکه در نهایت جامعه نیز متضرر می گردد. شناخت عواملی که مشکلات روانی دانشجویان را فراهم می آورد مستلزم مطالعات علمی است. از طریق شناخت این عوامل است که می توان به برنامه ریزی در جهت مرتفع ساختن مشکلات عاطفی دانشجویان همت گماشت و بهداشت روانی آنان را تأمین کرد. با پیشرفت علوم و به موزات آن، پیچیده تر شدن زندگی فردی و اجتماعی و متعاقباً بالا رفتن میزان استرس افراد، لزوم توجه به مسائل تنش زای روانی و اجتماعی انسان ها بیش از پیش احساس میشود (کاپلان^۱، سادوک، گرب، ۲۰۰۳).

در سال ۱۹۸۴، سازمان بهداشت جهانی بهزیستی روان را به عنوان حالتی از بهزیستی کامل جسمی، اجتماعی، ذهنی و نبود بیماری تعریف کرد. تعاریف جدید از بهزیستی روان شامل مدیریت احساس و رفتار، ارزیابی واقع بینانه از محدودیت های خود، رشد خودمختاری و استقلال و توانایی فائق آمدن بر استرس را نیز شامل می شود. (مندرشید^۲ و همکاران، ۲۰۱۰)

عوامل متعددی بر بهزیستی روانی دانشجویان می تواند تأثیرگذار باشد که به طور کلی می توان آن ها را در سه گروه تقسیم بندی کرد (۱) عوامل شخصی (۲) عوامل مربوط به دانشگاه (۳) عوامل اجتماعی. آشنا نبودن بسیاری از دانشجویان با محیط دانشگاه در بدو ورود، جدایی و دوری از خانواده، عدم علاقه به رشته قبولی، ناسازگاری با سایر افراد در محیط زندگی و کافی نبودن امکانات رفاهی و اقتصادی، از جمله شرایطی هستند که می توانند موجبات مشکلات و ناراحتی های روانی و افت عملکرد را موجب شوند (تبریزی و همکاران، ۲۰۱۲). یکی دیگر از مسائلی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته، هوش فرهنگی است که حوزه جدیدی از توانمندی هوشی افراد است و تاکنون در محیط های کاری و بین مدیران بررسی شده است. بعضی از جنبه های فرهنگی مسئله، قابل رؤیت است و میتوان این هوشمندی را در نحوه برخورد، برخی افراد و رفتارهایی که انجام میدهند مشاهده کرد. در هر حال فهم بیشتر موقعیت ها و بخشهای چالش برانگیز فرهنگها مرتبطند با عقاید، ارزشها، انتظارات، نگرشها مفروضه هایی که به طور آشکار یا نهان، قابل مشاهده و ارزیابی هستند. که در یک فرهنگ مطابق با هنجارهای آن عمل میکنند. قاعداً مفهوم بهنجار بودن، برای فرهنگی متفاوت از فرهنگ دیگر است. اما هر فرهنگی برای خود مفاهیمی از چگونه زیستن را مطرح می سازد. هوش فرهنگی به افراد کمک میکند که به نحو مؤثری تفاوت های بین فرهنگی را کنترل و مدیریت نمایند. کسی که دارای هوش فرهنگی بالایی است حصارهای فرهنگی را درک نموده و می داند که همین حصارها است که می تواند رفتار ما و دیگران را چارچوبی نماید. که این می تواند نحوه فکر کردن و واکنشهای فرد را در موقعیتهای مختلف توجیه نماید. اما فرد میتواند این

¹ Kaplan² Sadock³ Grebb⁴ Menderscheid

حصارها را در هم بشکنند (بوتن، ۲۰۰۹). بنابراین برای عملکرد مؤثر و رابطه بهتر باید هوش فرهنگی را توسعه داد. هوش فرهنگی کلید موفقیت در دنیای کنونی است که باعث میشود تفاوتها را درک کرده و روی آنها سرمایه گذاری کنیم و نه آنها را تحمل کنیم و یا نادیده بگیریم. فردی که دارای هوش فرهنگی بالایی است توانایی یادگیری در محیط فرهنگی جدید را دارد، و از رویارویی با فرهنگهای جدید لذت میبرد (ارلی^۲ و انگ^۳، ۲۰۰۳). همچنین، می توان گفت که هوش فرهنگی دامنه جدیدی از هوش است که ارتباط زیادی با محیطهای متنوع دارد. هوش فرهنگی به افراد اجازه میدهد تا چگونگی تفکر و الگوهای رفتاری پاسخ دادن افراد را تشخیص دهند و در نتیجه موانع ارتباطی بین فرهنگی را کاهش و به افراد قدرت مدیریت تنوع فرهنگی را میدهد. قابل ذکر است که هوش فرهنگی دارای سه بعد شناختی، فیزیکی و احساسی است (ارلی^۴، ۲۰۰۴).

با توجه به کمبود مطالعات در خصوص تاثیر هوش فرهنگی در سلامت روانی دانشجویان پژوهش حاضر در صدد بررسی رابطه هوش فرهنگی با بهزیستی روان در دانشجویان دانشگاه آزاد زاهدان است.

پیشینه تحقیق

علی رغم وجود پژوهش هایی در رابطه با هوش فرهنگی در کشور، پژوهشهایی در زمینه ارتباط هوش فرهنگی با بهزیستی روان وجود ندارد. لذا پیشینه ی حاضر به پژوهشهایی برمیگردد که مفاهیمی مرتبط با هوش فرهنگی با بهزیستی روان دارند. مهریار (۱۳۸۵) در پژوهش خود با عنوان رابطه ی بین بهزیستی روان و شادکامی دانشجویان دختر و پسر انجام داد نتایج نشان داده که نمره ی بهزیستی روان و مولفه های آن؛ یعنی کارکرد جسمانی عدم اضطراب، کارکرد اجتماعی و عدم افسردگی با شادکامی رابطه ی معنا دارد. همچنین، رابطه ی مثبت معنی داری بین خرده مقیاس عدم اضطراب و شادکامی مشاهده شد. مقایسه ی میزان شادکامی دانشجویان دختر و پسر نیز نشان دهنده ی تفاوت معنا داری بین میزان شادکامی دانشجویان دختر نیست. تجزیه و تحلیل داده ها نشان می دهد که رابطه ی معنی داری بین بهزیستی روان و شادکامی وجود دارد.

بیانی و همکاران (۱۳۸۵) پژوهشی را با عنوان رابطه ی ابعاد بهزیستی روانشناختی و سلامت عمومی در دانشجویان دانشگاه آزاد واحد آزاد شهر (۸۶-۱۳۸۵) انجام داده اند. نتایج نشان داده است که بین مقیاس های بهزیستی روانشناختی و پرسشنامه ی سلامت عمومی رابطه ی منفی و معناداری وجود دارد. با افزایش سطح بهزیستی روانشناختی در میزان سلامت عمومی نیز بهبود مشاهده شده است. با توجه به همبستگی معناداری که بین ابعاد بهزیستی روانشناختی و سلامت عمومی به دست آمده می توان گفت که این دو سازه با همدیگر مرتبط هستند و تغییر در یکی از این متغیرها معمولاً با متغیر دیگری همراه خواهد بود. نتایج نشان داده که رابطه ی بین اضطراب و ابعاد ارتباط مثبت با دیگران، خود مختاری، تسلط بر محیط، زندگی هدفمند و رشد شخصی منفی و معنادار است. نتایج این پژوهش نشان داده که مقیاس های بهزیستی روانشناختی از پایایی قابل قبول برخوردار است.

خسروی کبیر و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی با نام مقایسه ی هوش هیجانی و بهزیستی روان از معنادان به مواد مخدر و افراد عادی که نتایج نشان داده است که، بین هوش هیجانی و بهزیستی روان آزمودنی صرف نظر از معنادار یا عادی رابطه ی معناداری وجود دارد که حاکی از آن است که برخورداری از مؤلفه های هوش هیجانی در مدیریت استرس و شناخت موقعیت های بیرونی و نیز حالت های درونی نقش تعیین کننده ای دارد و با پشتوانه ی آن مواجهه با مشکلات، توأم با موقعیت های فردی خواهد بود. اما این مقابله در افراد دارای هوش هیجانی پایین تر با کاستی ها و شکست همراه است و در نتیجه بهزیستی روان آنها نیز متأثر خواهد شد.

¹ Benton

² Earley

³ -Ang

⁴ Peterson

حیدری و مکتبی (1390) مقایسه هوش فرهنگی، احساس تنهایی، فرسودگی تحصیلی و بهزیستی روان در دانشجویان دختر کارشناسی ارشد بومی و غیر بومی در این پژوهش یافته ها نشان دادند که هوش فرهنگی، احساس تنهایی، فرسودگی تحصیلی دانشجویان دختر کارشناسی ارشد غیر بومی بهتر از دانشجویان دانشجویان دختر غیر بومی است به طور کلی بین دانشجویان دختر کارشناسی بومی و غیر بومی از لحاظ هوش فرهنگی، احساس تنهایی، فرسودگی تحصیلی و بهزیستی روان تفاوت معناداری وجود دارد. احمدی و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیق خود تحت عنوان بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی مرتبط با بهزیستی روانی دانشجویان دانشگاه شیراز نتایج حاصل از پژوهش آن بود که بین بهزیستی روان و سن و جنسیت مشارکت کنندگان رابطه معناداری وجود ندارد، همچنین می توان مدعی شد که جامعه دانشجویی گامی فراتر گذاشته و در مقایسه با اجتماع بزرگ تر از متغیرهای سنتی تعیین کننده ای مانند سن، قومیت، سنت و غیره فاصله گرفته است بدین معنا که تعیین کننده های بهزیستی روانی آنان دیگر عوامل سنتی نیستند و افراد از عوامل مدرن وسبک های جدید زندگی هویت یابی می کنند. ون داین، انگ، گه (۲۰۰۷) در پژوهشی به اندازه گیری هوش فرهنگی و میزان تاثیر آن بر سازگاری، تصمیم گیری، انطباق فرهنگی و عملکرد وظیفه ای پرداخته اند. نتایج این پژوهش نشان داد که ابعاد هوش فرهنگی با هر کدام از این متغیرها ارتباط دارد و در واقع هوش فرهنگی به عنوان عامل پیشینی کننده این متغیرها معرفی شده است. به این صورت که دو بعد استراتژی و دانش هوش فرهنگی بر قضاوت فرهنگی و تصمیم گیری فرد تاثیرگذار است. همچنین ابعاد رفتار و انگیزش هوش فرهنگی میزان انطباق فرهنگی فرد را با موقعیت های جدید فرهنگی پیش بینی میکند و بالاخره ابعاد استراتژی و رفتار هوش فرهنگی بر عملکرد وظیفه ای فرد تاثیرگذار است. آنامالی (۲۰۱۴) رابطه بین هوش هیجانی، هوش معنوی و سلامت مدیران. هدف از این مطالعه بررسی رابطه بین هوش هیجانی (EI)، هوش معنوی (SI) و تندرستی مدیریت مدیران مشغول به کار در سازمان است. روش اتخاذ شامل مطالعه توصیفی درست با استفاده از یک پرسشنامه ساختار یافته به عنوان ابزار پژوهش با تجزیه و تحلیل آماری می باشد. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می دهد که بین EI، SI و رفاه مدیران رابطه معنی داری وجود دارد. علاوه بر این، نتایج نشان می دهد که توسعه و رشد EI و SI می تواند به عنوان روشی برای بهبود رفاه مدیران و همچنین سلامت سازمانی در نظر گرفته شود. اسمیت (۲۰۱۲) بررسی رابطه پنج عامل بزرگ شخصیتی، هوش فرهنگی و بهزیستی روانی در میان اقلیت قومی دانشجویان. افزایش اقلیت های قومی متنوع آموزش موسسات آموزش عالی را به چالش کشیده، نتایج نشان می دهد که رابطه سابقه بین پنج صفت شخصیتی و مدل هوش فرهنگی باقی مانده است ثابت است. نتایج مطالعه بین اقلیت ارتباط معنی داری نشان نداد اضافی تجربی مطالعات مورد نیاز برای ارائه زمینه هوش فرهنگی یک پایه گسترده تر از پژوهش با دانشجویان اقلیت های قومی. این مطالعه به اضافه فرهنگی شبکه قانونی هوش و پنج عامل بزرگ شخصیتی با بررسی صفات شخصیتی که بهترین پیش بینی کننده هوش فرهنگی اقلیت قومی دانشجویان است. مطالعه حاضر برای اثبات ارتباط با بهزیستی روان هیچ داده های تجربی به همراه نداشت. با این حال، در واقع CQ ممکن است در نظر گرفته شود یک ابزار برای آموزش تفاوت بین فرهنگی در آموزش عالی، در نتیجه دانش آموزان واقعیت متنوع اجتماعی آماده می شود در محیط جدید آموزش و پرورش جهانی موفق شوند. (فریدمن، ۲۰۰۵). هریسون و همکاران (۲۰۱۱) در مطالعاتی تحت عنوان تاثیر هوش فرهنگی و سرسختی روانشناختی و بهزیستی روانی بر احساس غربت دانش آموزان در خارج از کشور به این نتیجه رسیده اند که CQ همبستگی منفی با احساس غربت دارد یعنی هر چقدر فرد از هوش فرهنگی بالاتری برخوردار باشد از احساس غربت کمتری برخوردار می شود همچنین به حفظ بهزیستی روانی و عدم افت کیفیت آن می شود نتایج نشان می دهد توانایی قوی در پیش بینی شخصیت این دانش آموزان و بهزیستی روان آنها بدست آمده است البته در پژوهش به عوامل مداخله گر دیگر از جمله والدین و مدیران و معلمان و دانشجویان نیز باید توجه داشت.

- 1 Van Dyne & Ang, Koh
- 2 Anamalai
- 3 Smith
- 4 Harrison

روش تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، پژوهشی کاربردی است. این تحقیق از لحاظ ماهیت و روش، تحقیق توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش ۱۴۰۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد شهر زاهدان به تعداد ۷۷۰۰ مرد و ۶۳۰۰ دانشجوی زن می باشد. نمونه آماری این تحقیق ۳۷۶ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد شهر زاهدان است که با استفاده از جدول تعیین حجم نمونه کرجسی مورگان (۱۹۷۰) تعیین شده اند. در این روش از روش نمونه گیری طبقه ای متناسب با حجم و تصادفی ساده بهره گرفته شده است زیرا نماینده و معرف بودن نمونه به خاطر اهداف تعمیم پذیری، بسیار حائز اهمیت است. ابزار پژوهش در این تحقیق، با بهره گیری از منابع کتابخانه ای و روش توزیع پرسشنامه به صورت حضوری، داده های مورد نیاز در محیطی واقعی، گردآوری شده است. منابع مورد استفاده از هر دو نوع دست اول و دست دوم می باشند.

در این پژوهش از پرسشنامه استاندارد هوش فرهنگی که توسط مرکز سنجش هوش فرهنگی در آمریکا توسعه یافته و توسط پژوهشگران داخلی بومی سازی شده و استفاده گردیده است. راموز (1385) در پژوهش خود به بومی سازی این پرسشنامه پرداخت. پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش از طرح پژوهشی در حال انجام که بومی شده و تعدیلات لازم در آن صورت پذیرفته، اقتباس گردیده است پرسشنامه مذکور، شامل چهار بخش بوده است که به ترتیب متغیرهای استراتژی هوش فرهنگی، دانش هوش فرهنگی، انگیزش هوش فرهنگی و رفتار هوش فرهنگی را در بر میگیرد.

مقیاس دیگر پرسشنامه مقیاس بهزیستی روان ریف (۱۹۸۹) را ریف (۱۹۸۹) ساخت و در سال ۲۰۰۲ مورد تجدید نظر قرار گرفته است؛ در ایران نخستین بار نیکنام آن را ترجمه کرده و مورد استفاده قرار داده است. این مقیاس ۶ عامل خودکاری، تسلط بر محیط، رشد شخصی، ارتباط مثبت با دیگران، هدفمندی در زندگی و پذیرش خود را می سنجد.

با توجه به موضوع پژوهش و روش مورد نیاز برای تجزیه و تحلیل داده ها در این تحقیق از آمار توصیفی و استنباطی جهت تجزیه و تحلیل داده ها استفاده می شود، به طوری که از محاسبه فراوانی، درصدها، نمودارها، میانگین، انحراف معیار، ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون گام به گام، آزمون t مستقل و تحلیل واریانس استفاده می شود. برای پاسخ به تمامی سوالات از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده خواهد شد.

یافته های پژوهش

سوال اول پژوهش: آیا بین هوش فرهنگی و فاکتورهای مربوط به آن با بهزیستی روانی دانشجویان رابطه وجود دارد؟

جهت پاسخگویی به این سوال از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۱) آمده است

جدول ۱ آزمون رابطه بین هوش فرهنگی و بهزیستی روان

فرهنگ		فراشناخت		شناخت		انگیزش		رفتار		مولفه ها
Sig	R	Sig	R	sig	R	sig	r	sig	R	
۰/۰۰۰	۰/۳۰۸	۰/۰۰۰	۰/۳۰۶	۰/۰۰۰	-۰/۱۵۴	۰/۱۶۷	۰/۷۱	۰/۰۰۱	۰/۱۶۸	پذیرش
۰/۹۸۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۲۹۵	۰/۰۱۸	-۰/۱۲۱	۰/۰۲۰	۰/۱۲۰	۰/۶۲۳	۰/۰۲۵	روابط مثبت
۰/۰۰۰	۰/۲۴۴	۰/۰۰۰	۰/۰۳۴	۰/۶۳۴	۰/۰۲۵	۰/۰۰۰	۰/۳۳۹	۰/۰۰۰	۰/۱۹۶	خودمختاری
۰/۰۰۰	۰/۲۳۷	۰/۳۵۸	۰/۰۴۷	۰/۰۰۰	۰/۶۲۳	۰/۸۲۶	۰/۰۱۱	۰/۵۲۴	۰/۰۳۳	تسلط بر محیط
۰/۰۰۱	-۰/۱۷۴	۰/۵۶۵	۰/۰۳۰	۰/۰۰۰	۰/۲۷۸	۰/۰۰۲	۰/۱۵۷	۰/۳۴۹	-۰/۰۴۸	هدف زندگی
۰/۰۰۵	-۰/۱۴۴	۰/۹۵۶	۰/۰۰۳	۰/۰۳۱	۰/۱۱۱	۰/۰۰۰	۰/۴۶۸	-۰/۰۰۱	-۰/۱۶۵	رشد فردی
۰/۰۰۰	۰/۲۰۸	۰/۵۵۱	۰/۳۱	۰/۰۰۰	۰/۴۴۷	۰/۱۵۰	۰/۰۷۴	۰/۲۰۳	۰/۰۶۶	بهزیستی روان
N= ۳۷۶										

جدول فوق حاکی از این است که در بعد رفتار، بین مولفه های پذیرش ($t=0/168$) و رشد فردی برابر با $0/165$ و خودمختاری برابر $0/196$ می باشد رابطه مثبت و معناداری در سطح 99% درصد وجود دارد ($P < 0/01$). در صورتی که با مولفه های روابط مثبت $0/025$ ، تسلط بر محیط $0/033$ ، هدف زندگی $0/48$ بوده که در سطح 95% درصد رابطه معنادار نمی باشد ($P > 0/05$).

نتایج جدول فوق همچنین نشان می دهد که ضریب همبستگی بین بعد شناخت و مولفه های پذیرش برابر با $0/514$ ، تسلط بر محیط برابر با $0/623$ و هدف زندگی برابر با $0/278$ می باشد که در سطح 99% درصد رابطه مثبت و معنادار است ($P < 0/01$). در صورتی که با مولفه های روابط مثبت $0/121$ ، رشد فردی $0/111$ و خودمختاری $0/025$ بوده که در سطح 95% درصد رابطه معنادار نمی باشد ($P > 0/05$).

بر مبنای نتایج جدول فوق، ضریب همبستگی بین بعد انگیزش و مولفه های خودمختاری برابر با $0/339$ ، هدف زندگی برابر با $0/157$ و رشد فردی برابر با $0/468$ می باشد که در سطح 99% درصد رابطه مثبت و معنادار است ($P < 0/01$). در صورتی که با مولفه های پذیرش $0/071$ ، روابط مثبت $0/120$ و تسلط بر محیط $0/011$ بوده که در سطح 95% درصد رابطه معنی دار نمی باشد ($P > 0/05$).

نتایج نشان می دهد که ضریب همبستگی بین بعد فراشناخت و مولفه های پذیرش برابر با $0/306$ ، روابط مثبت برابر با $0/295$ و خودمختاری برابر با $0/304$ می باشد که در سطح 99% درصد رابطه مثبت و معنادار است ($P < 0/01$). در صورتی که با مولفه های هدف زندگی $0/565$ و رشد فردی $0/956$ بوده که در سطح 95% درصد رابطه معنادار نمی باشد ($P > 0/05$).

همچنین ضریب همبستگی بین هوش فرهنگی و مولفه های پذیرش برابر با $0/308$ ، خودمختاری برابر با $0/244$ ، تسلط بر محیط برابر با $0/237$ ، هدف زندگی برابر با $0/174$ و رشد فردی برابر با $0/144$ می باشد که در سطح 99% درصد رابطه مثبت و معنادار است ($P < 0/01$). در صورتی که با مولفه روابط مثبت $0/01$ بوده که در سطح 95% درصد رابطه معنادار نمی باشد ($P > 0/05$).

بر مبنای نتایج جدول فوق، ضریب همبستگی بین بهزیستی روان و مولفه شناخت برابر با $0/447$ می باشد که در سطح 99% درصد رابطه مثبت و معنادار است ($P < 0/01$). در صورتی که با مولفه های رفتار $0/066$ ، انگیزش $0/074$ و فراشناخت $0/31$ بوده که در سطح 95% درصد رابطه معنی دار نمی باشد ($P > 0/05$).

همچنین ضریب همبستگی بین هوش فرهنگی با بهزیستی روان برابر با $0/208$ می باشد که در سطح 99% درصد رابطه مثبت و معنادار است ($P < 0/01$).

سوال دوم پژوهش: آیا فاکتورهای مربوط به هوش فرهنگی قادر به پیش بینی بهزیستی روانی دانشجویان هستند؟

جهت پاسخگویی به این سوال از آزمون رگرسیون گام به گام استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۲) آمده است.

جدول ۲ آزمون میزان پیش بینی مولفه های هوش فرهنگی از بهزیستی روان

گام	مولفه ها	R	R ²	F	B	T	Sig
۱	شناخت	0/447	0/200	93/35	-1/07	-9/66	0/000
۲	شناخت+فراشناخت	0/545	0/297	78/76	-1/54 1/42	-12/53 7/18	0/000
				N=376		P<0/01	

همان طور که نتایج جدول فوق نشان می دهد، در گام اول بعد شناخت بیشترین پیش بینی را از بهزیستی روان دانشجویان داشته است. این متغیر به تنهایی توانسته است ۲۰٪ / ۰ درصد تغییرات بهزیستی روان دانشجویان را پیش بینی کند. در گام دوم متغیر فراشناخت وارد الگوی پیش بینی شده است و این دو متغیر با هم توانسته اند ۲۹/۷ درصد تغییرات بهزیستی روانی دانشجویان را پیش بینی کنند. ضریب بتای استاندارد نشان می دهد که در معادله رگرسیون متغیر الهام بخش دارای ضریب بتای ۱/۰۷- و متغیر فراشناخت دارای ضریب بتای ۱/۴۲ می باشند که هر دو در سطح ۹۹ درصد معنادار است ($p < 0.01$).

نتیجه گیری

نتایج حاصل از آزمونهای گرفته شده این تحقیق نشان می دهد که رابطه بین هوش فرهنگی و بهزیستی روانی معنادار بوده و رابطه بین بهزیستی روان و هوش فرهنگی و مولفه های آن را در سطح بالا نشان می دهد. نتایج نشان داد که همبستگی در دو متغیر شناخت و فراشناخت وابستگی مثبت و قوی ترین ارتباط را با بهزیستی روان دارد و همچنین می توان چنین استنباط کرد که در دو مولفه روابط مثبت و تسلط بر محیط ضعیف ترین ارتباط وجود دارد. و این نتایج با یافته های تحقیق ون داین (۲۰۰۵) مبنی بر اینکه یکی از مهمترین ویژگیهای شخصیتی است که با هر چهار بعد هوش فرهنگی ارتباط مثبت دارد به عبارت دیگر با میزان توانایی افراد برای انجام وظیفه به طور اثربخش، در مجموعه های فرهنگی متنوع ارتباط مثبتی دارد همسو می باشد. همچنین براساس تحقیقات ون داین، انگ، که (۲۰۰۷) ابعاد استراتژی و رفتار هوش فرهنگی بر عملکرد وظیفه ای فرد تأثیرگذار است. حیدری و مکتبی (۱۳۹۰) با مقایسه هوش فرهنگی، احساس تنهایی، فرسودگی تحصیلی و بهزیستی روان در دانشجویان دختر بیانگر این مطلب می باشد که بین هوش فرهنگی، احساس تنهایی، فرسودگی تحصیلی و بهزیستی روان تفاوت معناداری وجود دارد. و با نتایج تحقیق به نوعی همسو می باشد. همچنین با نتایج تحقیقات هریسون و همکاران (۲۰۱۱) و اسمیت (۲۰۱۲) نیز منطبق می باشد. نتایج همچنین نشان می دهد که در بعد شناخت و فراشناخت بیشترین پیش بینی را از بهزیستی روان دانشجویان داشته است. ضریب بتای استاندارد نشان می دهد که در معادله رگرسیون متغیر الهام بخش و متغیر فراشناخت دارای سطح بالای معناداری هستند. اسمیت (۲۰۱۲) با بررسی رابطه پنج عامل بزرگ شخصیتی، هوش فرهنگی و بهزیستی روانی در میان اقلیت قومی دانشجویان به ای نتیجه دست یافت که هوش فرهنگی بهترین وسیله برای پیش بینی ابعاد شخصیت و بهزیستی روان در دانشجویان می باشد که با یافته های تحقیق همسو می باشد.

منابع

- احمدی، حبیب؛ مرزبان، مریم؛ روحانی، علی (۱۳۹۰)؛ بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مرتبط با سلامت روانی دانشجویان دانشگاه شیراز، *Quarterly of Sociological Studies of Youth*، شماره ۱.
- بیانی، علی اصغر و همکاران (۱۳۸۷)؛ رابطه ابعاد بهزیستی روان شناختی و سلامت عمومی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر ۸۶ - ۱۳۸۵، دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی بهار و تابستان - شماره های ۳۵ و ۳۶.
- حیدری، سکینه؛ مکتبی، غلامحسین (۱۳۹۰)، مقایسه هوش فرهنگی، احساس تنهایی، فرسودگی تحصیلی و سلامت روان در دانشجویان دختر کارشناسی ارشد بومی و غیربومی، نشریه زن و فرهنگ دوره ۳، شماره ۹.
- زهرا خسروی کبیر و همکاران (۱۳۸۸)، مقایسه هوش هیجانی و سلامت روان در معتادان به مواد مخدر و افراد عادی، مجله دانشگاه علوم پزشکی گیلان. ۱۳۸۸؛ ۱۸ (۷۰): ۹-۱۶

Kaplan, H.I, Sadoc. J. B(2003) synopsis of psychiatry; Behavioral sciences and clinical psychiatry 9th ed. Mosby

Mendersheid, R., Ryff, C., Freeman, E., Mckinight. R., Dhingra, s., & Strine, T. (2010). Evolving definitions of mental illness and wellness. *Preventing Chronic Disease*, 7, 1-6. Moneta, G. B. (2011).

Benton, Graham - Timothy Lynch, (2009), Globalization Cultural Intelligence and Maritime Education, California State University.

Eaerly p, Peterson & Ang. (2004). "cultural intelligence" indivisual interaction across cultures, CA standfors Business books.

Amram, Y & Dryer, C (2007). "The Development and Integrated Spiritual Intelligence Scale (ISIS)".Palo Alto,CA: Institute of Transpersonal Psychology Working Paper.

Anandarajah,G , & Hight.E (2001). "Spirituality and Medical Practice:Using the Hope Questions as a Practical Tool for Spiritual Assessment". American Family Physician. Volume 63, Number 1,81-88.

Buzan, T (2001). The power of spiritual intelligence: 10 ways to tap into your spiritual genius. London: Thorsons. Daaleman,T.